journal homepage: www.sjfm.ir

Iranian Journal of Forensic Medicine

Iran J Forensic Med. 2026 Jun;32(1):24-37 Volume 32, Issue 1, Spring 2026 Research Article

Modeling Marital Instability Based on Self-Extinction, Hidden Threats With the Mediating Role of Perceived Stress From Violence in Women Affected by Domestic Violence in Fasa City, Iran

Sousan Didehdar[1] MA, **Nazanin Honarparvaran**[2*] PhD, **Nadereh Sohrabi**[1] PhD

[1] Department of Psychology, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

[2] Department of Counseling, Marv.C., Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

***Correspondence to:** Nazanin Honarparvaran, Email: honarparvaran48@iau.ac.ir

ARTICLE INFO

Article history:

Received: April 28, 2026
Accepted: June 2, 2026
Online Published: June 15, 2026

Keywords:
Marital Instability
Self-silencing
Threat
Psychological stress
Domestic violence

HIGHLIGHTS

1. Difficulties in cognitive emotion regulation and self-silencing, on the one hand, and hidden threats, on the other, undermine marital stability—both directly and through the elevation of perceived stress.
2. Marital instability is not merely a consequence of external factors; rather, it results from the cyclical interaction of cognitive-emotional processes within the context of domestic violence.

ABSTRACT

Introduction: Marital instability may be influenced by self-silencing and covert threats, with perceived stress potentially mediating these associations. The present study aimed to develop a structural model of marital instability based on self-silencing and covert threats, with the mediating role of perceived stress, among women affected by domestic violence in Fasa city, Iran.

Methods: This descriptive-correlational study employed Structural Equation Modeling (SEM). The statistical population comprised all women affected by domestic violence during 2025–2026 (1404–1405), totaling 1,329 individuals. Based on Kline's (2023) recommendation that at least 10 participants per free parameter or a minimum sample size of 200 is required to obtain stable parameter estimates, a sample of 440 women aged 20–45 years was selected through convenience sampling. Participants completed the Domestic Violence Against Women Questionnaire (Mohseni Tabrizi et al., 2012), Marital Instability Index (Booth et al., 1987), Silencing the Self Scale (Jack, 1991), Relational Aggression in Couples Scale (Nelson & Carroll, 2006), and Perceived Stress Scale (Cohen et al., 1983). Data were analyzed using Structural Equation Modeling (SEM) with SPSS version 26 and AMOS version 24.

Results: The findings indicated that self-silencing (β=0.602, P<0.0001), covert threats (β=0.687, P<0.0001), and perceived stress (β=0.243, P<0.0001) had significant direct effects on marital instability. Moreover, self-silencing (β=0.343, P=0.004) and covert threats (β=0.432, P<0.0001) had significant direct effects on perceived stress. Furthermore, self-silencing (β=0.265, P<0.0001) and covert threats (β=0.154, P<0.0001) had significant indirect effects on marital instability through perceived stress.

Conclusion: The findings suggest that self-silencing and covert threats contribute to greater marital instability among women affected by domestic violence, partly by increasing perceived stress.

How to cite: Didehdar S, Honarparvaran N, Sohrabi N. Modeling marital instability based on self-extinction, hidden threats with the mediating role of perceived stress from violence in women affected by domestic violence in Fasa City, Iran. Iran J Forensic Med. 2026;32(1):24-37.

Copyright © 2026 The Author(s); Published by Legal Medicine Research Center. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

مرکز تحقیقات پزشکی قانونی

مجله
پزشکی قانونی ایران

www.sjfm.ir



دوره ۳۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۲۴ تا ۳۷

مقاله پژوهشی

مدل‌یابی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس خودخاموشی، تهدیدات پنهان با نقش میانجی استرس ادراک‌شده از خشونت در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی شهر فسا

سوسن دیده‌دار[۱] MA، نازنین هنرپروران[۲*] PhD، نادره سهرابی[۱] PhD

[۱] گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
[۲] گروه مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

*نویسنده مسئول: نازنین هنرپروران، پست الکترونیک: honarparvaran48@iau.ac.ir

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:
دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵

واژگان کلیدی:
بی‌ثباتی زناشویی
خودخاموشی
تهدید
استرس روان‌شناختی
خشونت خانگی

نکات ویژه

۱- دشواری تنظیم شناختی هیجان و خودخاموشی از یکسو و تهدیدات پنهان از سوی دیگر، هم بصورت مستقیم و هم از طریق افزایش استرس ادراکشده، به تضعیف پایداری رابطه زناشویی منجر میشوند.
۲- بیثباتی ازدواج صرفاً پیامد عوامل بیرونی نیست، بلکه نتیجه برهمکنش چرخهای از فرایندهای شناختی–هیجانی در بستر خشونت خانگی است.

چکیده

مقدمه: بی‌ثباتی ازدواج، می‌تواند تحت تأثیر خودخاموشی و تهدیدات پنهان با میانجی‌گری استرس ادراک‌شده قرار داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل‌یابی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس خودخاموشی، تهدیدات پنهان با نقش میانجی استرس ادراک‌شده از خشونت در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی شهر فسا بود.

روش بررسی: روش این پژوهش توصیفی-همبستگی برمبنای معادلات ساختاری بود. جامعه آماری تمامی زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی (۱۴۰۵- ۱۴۰۴) ۱۳۲۹ نفر بودند. بر مبنای دیدگاه کلاین (۲۰۲۳)، برای دستیابی به برآوردهای پایا، به ازای هر پارامتر آزاد دست‌کم ۱۰ نفر یا حداقل ۲۰۰ نمونه لازم است. ازاین‌رو، ۴۴۰ نفر از زنان آسیب‌دیده (۲۰ تا ۴۵ سال) به روش نمونه‌گیری در دسترس بودند. شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌های خشونت خانگی علیه زنان (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱)، بی‌ثباتی ازدواج جان و همکاران (۱۹۸۷)، خودخاموشی جک (۱۹۹۱)، پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین نلسون و کارول (۲۰۰۶) و استرس ادراک‌شده کوهن و همکاران (۱۹۸۳) را تکمیل کردند. تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزارهای SPSS26 و Amos24 انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد خودخاموشی با مقادیر (β=۰/۶۰۲ ، P<۰/۰۰۰۱)، تهدیدات پنهان (β=۰/۶۸۷ ، P<۰/۰۰۰۱) و استرس ادراک‌شده (β=۰/۲۴۳، P<۰/۰۰۰۱) بر بی‌ثباتی ازدواج اثر مستقیم دارد. خودخاموشی (β=۰/۳۴۳، P=۰/۰۰۴) و تهدیدات پنهان (β=۰/۴۳۲، P<۰/۰۰۰۱) بر استرس ادراک‌شده اثر مستقیم دارد. همچنین خودخاموشی با مقادیر (β=۰/۲۶۵، P<۰/۰۰۰۱) و تهدیدات پنهان (β=۰/۱۵۴، P<۰/۰۰۰۱) با نقش واسطه‌ای استرس ادراک‌شده بر بی‌ثباتی ازدواج اثر غیرمستقیم دارد.

نتیجه‌گیری: خودخاموشی و تهدیدات پنهان از طریق افزایش استرس ادراک‌شده به افزایش بی‌ثباتی ازدواج در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی می‌شوند.

مقدمه

خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، بر تعاملات حمایتی استوار است که ناکارآمدی آن می‌تواند سلامت اعضا را تهدید کرده و به بروز خشونت خانگی منجر شود [۱]. خشونت خانگی شامل رفتارهای آزاردهنده جسمی، روانی، جنسی و تهدیدآمیز با هدف آسیب رساندن به دیگری است که با مختل کردن پیوندهای زناشویی، می‌تواند منجر به فروپاشی ساختار خانواده و جدایی زوجین شود [۳، ۲].

خشونت خانگی در ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای رو به افزایش است، به‌گونه‌ای که سالانه حدود ۲۵ درصد از زنان و ۱۰ درصد از مردان، خشونت از سوی شریک زندگی خود را گزارش می‌کنند [۴]. در ایران نیز این پدیده از شیوع بالایی برخوردار است، به‌طوری‌که نتایج یک پژوهش، شیوع کلی خشونت علیه زنان ایرانی را ۵۹ درصد و شیوع خشونت جسمی، روانی و جنسی

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

را به‌ترتیب ۲۵، ۵۰ و ۲۰ درصد گزارش کرده است. با توجه به شیوع بالای این پدیده و پیامدهای مزمن و مخرب آن بر سلامت جسمی و روانی قربانیان، ارتقای آگاهی، گسترش فرصت‌های آموزشی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش خشونت خانگی محسوب می‌شود [۶، ۵، ۳]. در همین راستا، خشونت در روابط زناشویی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی، پیامدهای گسترده‌ای برای سلامت افراد به همراه دارد و بررسی عوامل و مکانیسم‌های مؤثر در بروز آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است [۷]. با این حال، پژوهش‌های موجود هنوز درک جامع و روشنی از نحوه افشای خودخواسته خشونت خانگی، شیوه‌های ارائه حمایت و تعامل میان این دو ارائه نکرده‌اند [۸].

یکی از مهم‌ترین چالش‌های روابط زناشویی، بی‌ثباتی ازدواج است که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های روابط زناشویی، به گرایش یکی یا هر دو زوج برای پایان دادن به زندگی مشترک اشاره دارد و با تعارضات خانوادگی، مشکلات اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی همراه است. افزایش بی‌ثباتی زناشویی و نرخ طلاق در دهه‌های اخیر، این پدیده را به یکی از عوامل اصلی تضعیف بنیان خانواده تبدیل کرده و بررسی عوامل مؤثر بر آن را ضروری ساخته است [۹]. در همین راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خشونت از سوی همسر و بی‌ثباتی زناشویی همچنان از مهم‌ترین نگرانی‌های سلامت عمومی و حقوق بشر، به‌ویژه در میان زنان، محسوب می‌شوند. افزون بر این، زنانی که خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند، ۵۶ درصد احتمال کمتری برای تداوم رابطه زناشویی خود دارند که بیانگر نقش کلیدی خشونت خانگی در بی‌ثباتی روابط زناشویی است [۱۰]. این وضعیت می‌تواند با پیامدهای روان‌شناختی همچون خستگی، افسردگی، اضطراب، کاهش انگیزه، افت تمرکز و انزوا همراه باشد و بی‌ثباتی روابط را تشدید کند [۱۱].

از دیگر عواملی که ممکن است با بی‌ثباتی ازدواج در ارتباط باشد «خودخاموشی» است. خودخاموشی زنان با قطع ارتباط از نیازهای جسمی و روانی‌شان، می‌تواند احساس تنهایی، خشم و نفرت نسبت به شریک زندگی، احساس غفلت، درخودماندگی و نارضایتی زناشویی را در آنان افزایش دهد [۱۲]. با پدیدار شدن بی‌ثباتی در ازدواج، ممکن است به خودخاموشی منجر شود، به‌گونه‌ای که زنانی که احساسات خود را در روابط صمیمی بیان نمی‌کنند، به‌تدریج ارتباط خود را با هیجانات درونی از دست داده و این امر می‌تواند بر تصمیم‌گیری، قاطعیت و رضایت زناشویی آنان تأثیر بگذارد [۱۳]. خودخاموشی به‌معنای کناره‌گیری یا انحراف از فعالیت‌های روزمره زندگی، تعاملات اجتماعی، انجام وظایف و مسئولیت‌ها و ایفای نقش‌های مختلف اجتماعی و شغلی تعریف می‌شود. در واقع، خودخاموشی تلاشی است برای نشان‌دادن هماهنگی و اجتناب از تعارض در روابط صمیمی زنان است [۱۴].

زنان قربانی خشونت همسر، به دلیل نابرابری‌های ساختاری و سلامت ضعیف‌تر، کمتر به دنبال کمک یا درمان می‌روند. این زنان اغلب با اتخاذ راهبرد «خودخاموشی» و «تحمل خاموش» (پنهان‌سازی احساسات و سکوت در برابر خشونت)، برای بقا در روابط ناسالم، سلامت جسمی و روانی خود را به شدت تخریب می‌کنند [۱۵]. یافته‌ها حاکی از آن است که زنان در سطح جامعه، نسبت به گروه‌های بالینی، نرخ گزارش بالاتری از خشونت‌های جسمی، روانی و جنسی را تجربه کرده‌اند. این مسئله با افزایش چشمگیر پیامدهای منفی سلامت روان، از جمله خودخاموشی، افسردگی، اختلالات روانی و افکار یا رفتارهای خودکشی در میان قربانیان همراه است [۱۶].

یکی از چالش‌های همیشگی در بررسی خشونت خانگی، پدیده کم‌گزارش‌دهی و ماهیت تهدیدات پنهان است، به‌طوری که ترس از انتقام، انگ اجتماعی و تلاش برای حفظ تصویر مثبت، اغلب قربانیان را به پنهان کردن تجربه‌های خود وا می‌دارد [۱۷]. این خشونت می‌تواند در قالب‌های مختلف، از درگیری‌های آشکار (فیزیکی و لفظی) تا رفتارهای پنهان

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

(بدون درگیری مستقیم یا با مخفی کردن علائم ظاهری) و در نهایت به‌صورت «تهدیدات پنهان» بروز کند [۱۸]. تهدیدات پنهان در واقع تلاشی هدفمند برای کنترل همسر از طریق آسیب رساندن به رابطه است که عمدتاً با دو شیوه «خودداری از صمیمیت عاطفی و جنسی» و «تخریب وجهه اجتماعی و حریم خصوصی» (نظیر شایعه‌پراکنی یا ایجاد دخالت در زندگی خصوصی) اجرا می‌شود و از عوامل کلیدی بی‌ثباتی در زندگی زناشویی به‌شمار می‌رود [۱۹].

از سوی دیگر، تهدیدات پنهانی مانند تضعیف ثبات و اعمال فشارهای روانی، به دلیل محدودیت دسترسی و تداخل پیچیده میان فرهنگ، قانون و سیاست اغلب نادیده گرفته می‌شوند و این پیچیدگی مانع شناسایی به‌موقع آسیب‌ها و اجرای اصلاحات حمایتی می‌شود. این تهدیدات که ریشه در هنجارهای جنسیتی محافظه‌کار، نابرابری قدرت و سطح پایین آموزش دارند، موجب توجیه خشونت و تداوم آن در نسل‌ها شده و در نهایت با استمرار سلطه سنتی در روابط، سلامت خانواده را مختل کرده و پیامدهای منفی بر تصمیمات باروری، مشارکت اقتصادی زنان و رفاه کودکان به همراه دارد [۲۰].

یکی از پیامدهای روان‌شناختی برجسته در میان زنان قربانی خشونت خانگی، تجربه استرس ادراک‌شده است. استرس ادراک‌شده به‌عنوان یکی از انواع کلیدی استرس، به میزان درک فرد از موقعیت‌های زندگی به‌عنوان تهدیدکننده، طاقت‌فرسا یا فراتر از توانایی مقابله او اشاره دارد. به‌عبارت دیگر، حالتی است که در آن فرد احساس می‌کند توان و منابع لازم برای مواجهه با فشارها و چالش‌های محیطی را در اختیار ندارد [۲۲، ۲۱]. یافته‌های پژوهشی حاکی از آن است زنانی که خشونت همسر را تجربه کرده‌اند، به‌طور معناداری سطوح بالاتری از استرس را گزارش می‌کنند [۲۳]. این وضعیت منجر به شکل‌گیری استرس مزمن شده و در نهایت زمینه‌ساز بروز آسیب‌های روانی و اختلالات عاطفی در این زنان می‌شود [۲۴]. (لافاوسی و همکاران، ۲۰۲۳). مطالعات نشان داده‌اند که استرس ادراک‌شده در تعامل با عوامل فردی همچون خودخاموشی زنان می‌تواند به تشدید مشکلات روان‌شناختی در زنان منجر شود [۲۲- ۲۵].

با توجه به شیوع بالای خشونت خانگی و پیامدهای گسترده آن بر بی‌ثباتی زناشویی، سلامت روان و کیفیت زندگی زنان، بررسی همزمان سازوکارهای روان‌شناختی مؤثر در این پدیده ضروری است. پژوهش‌های پیشین هر یک به‌صورت جداگانه به متغیرهایی مانند خودخاموشی، استرس ادراک‌شده و تهدیدات پنهان پرداخته‌اند، اما کمتر مطالعه‌ای روابط تعاملی و همزمان این عوامل را در بستر خشونت خانگی و بی‌ثباتی زناشویی بررسی کرده است. پژوهش حاضر با تلفیق این متغیرها در یک مدل یکپارچه، می‌تواند به شناسایی مسیرهای مؤثرتر برای پیشگیری، کاهش خشونت و ارتقای پایداری روابط زناشویی کمک کند. ازاین‌رو، پژوهشگر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا مدل ساختاری بی‌ثباتی ازدواج بر اساس خودخاموشی، تهدیدات پنهان با نقش واسطه‌ای استرس ادراک‌شده از خشونت در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی دارای برازش مناسبی است؟

روش بررسی

روش این مطالعه توصیفی-همبستگی بر مبنای معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی در شهرستان فسا واقع در استان فارس است که در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ به مراکز مشاوره، اورژانس اجتماعی (۱۲۳) و نهادهای حمایتی مانند بهزیستی مراجعه کردند که طبق گزارش کلینیک‌های خصوصی و دولتی تعداد آنها در سال ۱۴۰۴ برابر با ۱۳۲۹ نفر گزارش شده است. بر اساس دیدگاه کلاین، در مدل‌یابی معادلات ساختاری SEM حداقل ۱۰ نمونه به ازای هر پارامتر آزاد یا حداقل ۲۰۰ نمونه باید در نظر گرفته شود [۲۶]. در مدل پژوهش حاضر مجموعاً ۱۵ پارامتر آزاد شامل ۵ مسیر اصلی و ۱۰ مسیر زیرمؤلفه‌ها وجود دارد. بر این اساس حجم نمونه پژوهش ۴۴۰ نفر از زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی ساکن

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

شهرستان فسا در گروه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال تعیین شد که از حداقل پیشنهادی کلاین نیز فراتر رفته و برای برآورد مدل SEM کفایت آماری لازم را دارد.

معیار ورود این پژوهش شامل کسب نمره بالاتر از نقطه برش در پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان، صداقت و تکمیل کامل پرسشنامه‌ها و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بوده و معیار خروج شامل شرکت‌کنندگانی است که پرسشنامه‌ها را ناقص تکمیل کرده یا تمایلی به ادامه مشارکت نداشتند. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، پیش از اجرای پژوهش، تمامی مشارکت‌کنندگان از هدف پژوهش آگاه شدند و رضایت آگاهانه مکتوب از آنها اخذ شد. همچنین داده‌ها بدون ثبت اطلاعات هویتی جمع‌آوری شد و اصول محرمانگی و رازداری به‌طور کامل رعایت شد. سپس داده‌های خام استخراج‌شده از پرسشنامه‌ها بر اساس فرضیه‌ها و روش تحلیل داده‌ها در قالب متغیرها تنظیم شد و اطلاعات جمع‌آوری‌شده در بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS-۲۶ و AMOS-۲۴ تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار اندازه‌گیری داده‌ها

پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۱): پرسشنامه خشونت خانگی علیه زنان یک فرم ثبت اطلاعات دموگرافیک است که سوالات ۱ تا ۱۰ پرسشنامه را تشکیل می‌دهد، این سوالات نیز ۶۰ سوال را در بر می‌گیرد. در کل این پرسشنامه ۷۱ گویه دارد. نمره‌گذاری پرسشنامه دو قسمت است و براساس طیف لیکرت و طبق جدول زیر است: پنج گزینه‌ای (همیشه= ۴، اغلب اوقات = ۳، گاهی= ۲، به‌ندرت= ۱، هیچ‌وقت= ۰)؛ پنج گزینه‌ای (کاملاً موافق = ۴، موافق= ۳، بی‌نظر= ۲، مخالف= ۱، کاملا مخالف= ۰). روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش تبریزی ضریب آلفای کرونباخ کل برابر با ۰/۸۳ به‌دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب این ابزار است [۲۷]. در پژوهش حاضر نیز برای برآورد پایایی ابزار مذکور از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۷۷ به دست آمد که نشانگر استاندارد بودن این ابزار بود.

پرسشنامه بی‌ثباتی ازدواج (MLL): این پرسشنامه توسط ادواردز و همکاران تهیه و تنظیم شده است [۲۸]. این شاخص یک ابزار ۱۴ سوالی است که برای اندازه‌گیری بی‌ثباتی ازدواج (زناشویی) تدوین شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه شامل ۱۴ سؤال است که با استفاده از مقیاس چهارگزینه‌ای لیکرت انجام می‌شود. گزینه‌ها به‌ترتیب «خیلی» با نمره ۴، «اغلب» با نمره ۳، «گاهی» با نمره ۲ و «هرگز» با نمره ۱ درجه‌بندی شده‌اند. دامنه نمرات کل بین ۱۴ تا ۵۶ متغیر است. بر اساس تفسیر نتایج، نمره بین ۱۴ تا ۲۸ بیانگر سطح پایین بی‌ثباتی ازدواج، نمره بین ۲۸ تا ۴۲ نشان‌دهنده سطح متوسط بی‌ثباتی ازدواج و نمره بین ۴۲ تا ۵۶ حاکی از سطح بالای بی‌ثباتی ازدواج در فرد است. روایی این مقیاس در پژوهش‌های متعددی مورد سنجش و تایید قرار گرفته و همبستگی مثبت آن با مقیاس‌های مربوط به مشکلات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی همبستگی مورد تایید قرار گرفته است. پایایی این مقیاس هم با روش آلفای کرونباخ ۹۳درصد گزارش شده است. در پژوهش یاوری‌زاده و همکاران، پایایی این پژوهش از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به‌دست آمد [۹]. در پژوهش حاضر نیز برای برآورد پایایی ابزار مذکور از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۶ به دست آمد که نشانگر استاندارد بودن این ابزار بود.

پرسشنامه خودخاموشی (STSS): پرسشنامه خودخاموشی به منظور اندازه‌گیری خودخاموشی، مقیاسی توسط جک و دیل، در سال ۱۹۹۲ ارائه شده است. این مقیاس ۳۱ گویه ای، به صورت خودگزارشی تنظیم شده، مقیاس خودخاموشی بر اساس مطالعات طولی زنان است [۲۹]. نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملا درست =۵، درست =۴، نه نادرست و نه درست =۳، نادرست =۲، کاملا نادرست =۱) و برخی گویه‌ها (۱۵-۳۱-۸-۱۱-۱)

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

نیز به صورت برعکس (کاملا درست = ۱، درست = ۲، نه نادرست و نه درست = ۳، نادرست = ۴، کاملا نادرست = ۵) کدگذاری شده‌اند. حداقل نمره ممکن ۳۱، حد متوسط ۹۳ و حد بالای نمره ۱۵۵ است. برای محاسبه نمره کل، امتیازات پاسخ‌ها از ۳۱ سؤال با یکدیگر جمع می‌شوند. درصورتی که نمرات کل بین ۳۱ تا ۶۲ باشد، میزان خودخاموشی اگر بین ۶۲ تا ۹۳ قرار گیرد در سطح ضعیف و متوسط و اگر بالای ۹۳ باشد، سطح بسیار خوب خودخاموشی فرد را نشان می‌دهد. پرسشنامه حاضر شامل چهار مؤلفه اصلی است که همگی بر اساس الگوی مفهومی جک (۱۹۹۲) تدوین شده‌اند [۲۹]. الگوی خاموش‌سازی خود شامل چهار مؤلفه اصلی است که هر یک جنبه‌ای از نحوه تجربه و تنظیم خود در روابط اجتماعی را می‌سنجد. نخست، «ارزیابی و درک خود بر اساس استانداردهای بیرونی» است که با ۶ گویه (۶، ۷، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۳۰)، دوم، «مراقبت از دیگران به بهای قربانی کردن خود» با ۹ گویه (۱، ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۲۱، ۲۸)، سوم، «خاموش کردن خود» با ۹ گویه (۲، ۸، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۳، ۲۵، ۲۹، ۳۱) و در نهایت، «خود تقسیم‌شده» با ۷ گویه (۵، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۴) اشاره دارد. جک و دیل (۱۹۹۲) روایی این پرسشنامه ضریب پایایی آلفای کرونباخ پرسشنامه خودخاموشی را در زنان دانشجو ۰/۸۶گزارش کرده‌اند و ضریب روایی آن را با پرسشنامه افسردگی ۲۱ ماده‌ای بک BDI-۲۱ در هر سه گروه معنادار یافته‌اند [۲۹]. در پژوهش ابطحی و عابد نیز پایایی آن را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به‌دست آوردند [۳۰]. حاضر، برای برآورد پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۸۸به دست آمد. این مقدار نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین نلسون و کارول (۲۰۰۶): هدف از مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان زوجین کارول و نلسون ارزیابی میزان پرخاشگری ارتباطی پنهان از ابعاد مختلف (کناره گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی) است [۳۱]. این پرسشنامه شامل ۱۲ سؤال است و هدف آن ارزیابی میزان پرخاشگری ارتباطی پنهان از دو بعد «کناره‌گیری عاطفی» و «خراب کردن وجهه اجتماعی» است. طیف پاسخ‌دهی پرسشنامه از نوع لیکرت هفت‌گزینه‌ای است که به هر گزینه امتیاز ۱ تا ۷ اختصاص داده شده است؛ گزینه‌ها شامل «خیلی کم» با نمره ۱، «نسبتاً کم» با نمره ۲، «کم» با نمره ۳، «متوسط» با نمره ۴، «زیاد» با نمره ۵، «نسبتاً زیاد» با نمره ۶ و «خیلی زیاد» با نمره ۷ هستند. ابعاد پرسشنامه شامل کناره‌گیری عاطفی (سؤالات ۱ تا ۶) و خراب کردن وجهه اجتماعی (سؤالات ۷ تا ۱۲) است. برای به‌دست آوردن امتیاز کل پرسشنامه، نمرات تک‌تک سؤالات با هم جمع می‌شوند و دامنه نمره کل بین ۱۲ تا ۸۴ خواهد بود. برای تفسیر نمره کل، نمره کمتر از ۱۸ نشان‌دهنده پرخاشگری ارتباطی پنهان بسیار کم یا نبود آن است، نمره بین ۱۹ تا ۳۵ حاکی از پرخاشگری ارتباطی پنهان کم، نمره بین ۳۶ تا ۵۰ بیانگر سطح متوسط، نمره بین ۶۱ تا ۶۵ نشان‌دهنده سطح زیاد و نمره بالاتر از ۶۶ بیانگر پرخاشگری ارتباطی پنهان بسیار زیاد است. در زمینه روایی و پایایی آن در پژوهش خزاعی و همکاران (۱۳۹۵) اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه را تحت نظر اساتید دانشگاهی تایید کردند. [۳۲]. همچنین با استفاده از تحلیل عاملی، دو عامل اصلی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که میزان آن ۰/۸۵گزارش شد. در این پژوهش نیز برای برآورد پایایی ابزار مذکور از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ۰/۸۶ به دست آمد که نشانگر استاندارد بودن این ابزار بود.

پرسشنامه استاندارد استرس ادراک‌شده کوهن و همکاران (۱۹۸۳): پرسشنامه استرس ادراک‌شده توسط کوهن و همکاران در سال (۱۹۸۳) طراحی شده است [۳۳]. این مقیاس شامل ۱۴ گویه است و از مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای با امتیازدهی ۰ تا ۴ (هرگز تا خیلی زیاد) استفاده می‌کند. هر ماده برای سنجش سطح استرس ادراک‌شده فرد نمره‌ای بین ۰ تا ۴ دریافت می‌کند. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

پنج‌گزینه‌ای انجام می‌شود که گزینه‌ها شامل «هرگز» با نمره ۰، «کم» با نمره ۱، «متوسط» با نمره ۲، «زیاد» با نمره ۳ و «خیلی زیاد» با نمره ۴ است. برای تحلیل و تفسیر نمرات، ابتدا امتیازات به‌دست‌آمده از تمامی سؤالات جمع می‌شوند و سپس با توجه به حداقل و حداکثر نمره قضاوت صورت می‌گیرد. در این پرسشنامه که شامل ۱۴ سؤال است، حداقل نمره ممکن ۰ و حداکثر ۵۶ است و حد متوسط نمرات برابر ۲۸ است. در پژوهش سعادت و همکاران (۱۳۹۴)، روایی این پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان حوزه مربوطه تأیید شد و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمد [۳۴]. ضریب پایایی این پرسشنامه برای متغیر استرس ادراک‌شده برابر ۰/۸۴ گزارش شده است. در این پژوهش نیز برای برآورد پایایی ابزار مذکور از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ۰/۸۱ به دست آمد که نشانگر استاندارد بودن این ابزار بود.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، فراوانی و درصد گروه نمونه بر حسب سن نشان داد که بیشترین نسبت مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۳۸ سال با ۵۵/۲۹ درصد و کمترین نسبت مربوط به گروه سنی ۳۹ تا ۴۵ سال با ۴۵/۲۰ درصد است. از نظر میزان تحصیلات، بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای تحصیلات کارشناسی با ۷۷/۴۴ درصد است و در مجموع، بیشتر شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. همچنین، از نظر وضعیت اشتغال، بیشترین فراوانی مربوط به زنان خانه‌دار با ۵۰ درصد بود و پس از آن، افراد شاغل با ۳۶/۳۱ درصد و دانشجویان با ۶۴/۱۸ درصد قرار داشتند. از نظر وضعیت تأهل نیز، بیشترین فراوانی مربوط به افرادی بود که کمتر از ۵ سال از ازدواج اول آنها گذشته بود (۰۵/۴۸ درصد)، در حالی که کمترین فراوانی به سایر موارد با ۸۱/۶ درصد اختصاص داشت.

نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف حاکی از این بود که همه متغیرهای مورد مطالعه از توزیع نرمالی برخوردار بودند (P/۰۵>۰). نتایج آزمون‌ها نشان داد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار بوده، مفروضه‌های رگرسیون از جمله خطی بودن روابط و نبود هم‌خطی چندگانه برقرار است. همچنین، شاخص‌های پایایی (بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) و روایی همگرا (AVE) در سطوح قابل قبول قرار داشتند و شاخص‌های برازش نیز حاکی از برازش مناسب مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی بودند.

براساس یافته‌های توصیفی، میانگین متغیرهای بی‌ثباتی ازدواج، خودخاموشی، تهدیدات پنهان و استرس ادراک‌شده نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها در نمونه مورد بررسی در سطح متوسط رو به بالا قرار دارند. همچنین مقادیر چولگی و کشیدگی همه متغیرها در محدوده قابل قبول بوده و بیانگر نرمال بودن نسبی توزیع داده‌ها و امکان انجام تحلیل‌های استنباطی است (جدول ۱).

نتایج ماتریس همبستگی نشان داد که بین بی‌ثباتی ازدواج، خودخاموشی، تهدیدات پنهان و استرس ادراک‌شده روابط مثبت و معنادار در سطح وجود دارد (P<۰/۰۵ و P<۰/۰۱) (جدول ۲).

در زمینه ضرایب مسیر اثر مستقیم و غیرمستقیم مربوط

▼ جدول ۱- یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نوع	میانگین (انحراف معیار)	چولگی (کشیدگی)
بی‌ثباتی ازدواج	۳۳/۹۶ (۹/۴۳)	۰/۶۳۷ (۰/۱۷۹)
خودخاموشی	۸۹/۲۱/۰۶ (۱۳/۳۲)	۰/۰۸۱ (-۰/۰۱۹)
تهدیدات پنهان	۵۱/۳۴ (۱۱/۶۹)	-۰/۵۶۸ (-۰/۶۰۹)
استرس ادراک‌شده	۲۵/۳۶ (۴/۶۱)	۰/۶۳۷ (۰/۱۷۹)

▼ جدول ۲- ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

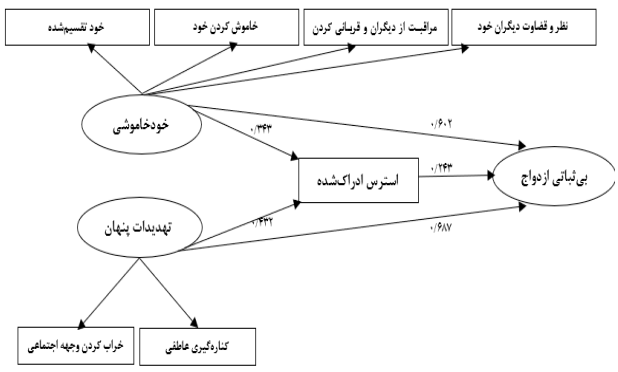
نوع	میانگین (انحراف معیار)	چولگی (کشیدگی)
بی‌ثباتی ازدواج	۳۳/۹۶ (۹/۴۳)	۰/۶۳۷ (۰/۱۷۹)
خودخاموشی	۸۹/۲۱/۰۶ (۱۳/۳۲)	۰/۰۸۱ (-۰/۰۱۹)
تهدیدات پنهان	۵۱/۳۴ (۱۱/۶۹)	-۰/۵۶۸ (-۰/۶۰۹)
استرس ادراک‌شده	۲۵/۳۶ (۴/۶۱)	۰/۶۳۷ (۰/۱۷۹)

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

به متغیرهای پژوهش در مدل نهایی با حضور متغیرهای میانجی (استرس ادراک‌شده) در جدول ۳ ارائه شده است.

همانطور که در شکل ۱ و جدول ۴ مشاهده می‌شود مسیرهای مستقیم خودخاموشی، تهدیدات پنهان، دشواری تنظیم شناختی هیجان و استرس ادراک‌شده به بی‌ثباتی ازدواج معنادار شد. خودخاموشی، تهدیدات پنهان به استرس ادراک‌شده معنادار شد. همچنین خودخاموشی و تهدیدات پنهان بر بی‌ثباتی ازدواج با نقش واسطه‌ای استرس ادراک‌شده معنادار شد. (P<۰/۰۱).

بحث



▲شکل ۱- مدل معادلات ساختاری پژوهش

یافته پژوهش فرضیه اصلی نشان داد مدل‌یابی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس خودخاموشی، تهدیدات پنهان با نقش میانجی استرس ادراک‌شده از خشونت در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی برازش مناسب دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده همسو است [۱، ۸، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۳۵-۴۸].

بر اساس چارچوب‌های نظری روابط زناشویی، یکی از مهم‌ترین مبانی تبیین متغیرهای پژوهش نظریه خودخاموشی جک است. طبق این نظریه، افراد در روابطی که با فقدان تعادل در قدرت یا ترس از تعارض همراه است، برای حفظ رابطه یا جلوگیری از پیامدهای منفی، احساسات و نیازهای خود را سرکوب می‌کنند. این الگو در کوتاه‌مدت از تعارض آشکار جلوگیری می‌کند، اما در بلندمدت با انباشت هیجان‌های سرکوب‌شده، کاهش صمیمیت و تضعیف ارتباط صادقانه، زمینه فرسایش رابطه و بی‌ثباتی ازدواج را فراهم می‌سازد [۴۸]. در کنار آن، تهدیدات پنهان به‌عنوان شکلی از خشونت روان‌شناختی، با ایجاد بی‌اطمینانی، کنترل نامحسوس و القای ترس دائمی، احساس امنیت، اعتماد و پیش‌بینی‌پذیری را در رابطه کاهش داده و به تضعیف تدریجی ثبات زناشویی منجر می‌شود [۴۷]. در این میان، بر اساس نظریه ارزیابی شناختی لازاروس و فولکمن، خودخاموشی و تهدیدات پنهان

▼جدول ۳- ضرایب مسیر اثر مستقیم مدل پژوهش بر بی‌ثباتی ازدواج

نام مسیر	برآورد ضرایب استاندارد β	خطای معیار	نسبت بحرانی (C.R)	مقدار معناداری	نتیجه
اثرات مستقیم					
خودخاموشی بی‌ثباتی ازدواج	۰/۶۰۲	۰/۰۵۴	۶/۰۸۷	کوچک‌تر از ۰/۰۰۱	تایید رابطه
تهدیدات پنهان بی‌ثباتی ازدواج	۰/۶۸۷	۰/۲۸۴	۴/۶۵۱	کوچک‌تر از ۰/۰۰۱	تایید رابطه
استرس ادراک‌شده بی‌ثباتی ازدواج	۰/۲۴۳	۰/۰۲۳	۳/۱۵۵	۰/۰۰۱	تایید رابطه
خودخاموشی استرس ادراک‌شده	۰/۳۴۳	۰/۱۴۵	۳/۳۵۱	کوچک‌تر از ۰/۰۰۱	تایید رابطه
تهدیدات پنهان استرس ادراک‌شده	۰/۴۳۲	۰/۱۲۸	۸/۸۷۲	کوچک‌تر از ۰/۰۰۱	تایید رابطه
اثرات غیرمستقیم					
خودخاموشی استرس ادراک‌شده بی‌ثباتی ازدواج	۰/۲۶۵	-	۳/۳۲۴	-	تایید رابطه
تهدیدات پنهان استرس ادراک‌شده بی‌ثباتی ازدواج	۰/۱۵۴	-	۲/۷۶۴	-	تایید رابطه
اثرات کل					
خودخاموشی بی‌ثباتی ازدواج	۰/۸۶۷				
تهدیدات پنهان بی‌ثباتی ازدواج	۰/۸۴۱				

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

از طریق تغییر ارزیابی فرد از موقعیت به‌عنوان تهدید دائمی و فراتر از منابع مقابله‌ای، موجب افزایش استرس ادراک‌شده از خشونت می‌شوند و این امر با کاهش توان حل مسئله، افزایش حساسیت هیجانی و اختلال در تعاملات زناشویی همراه است [۳۶].

نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد الگوی پیشنهادی پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است و تمامی مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم معنادار شده‌اند که بیانگر انسجام نظری و تجربی روابط میان متغیرها در تبیین بی‌ثباتی ازدواج است. در بین اثرات مستقیم، «تهدیدات پنهان» با (β = ۰/۶۸۷) قوی‌ترین پیش‌بین بی‌ثباتی ازدواج است و پس از آن «خودخاموشی» با (β = ۰/۶۰۲) قرار دارد، در حالی که «استرس ادراک‌شده» با (β = ۰/۲۴۳) اثر مستقیم ضعیف‌تری دارد؛ بنابراین عوامل بین‌فردی نسبت به عوامل درون‌فردی نقش پررنگ‌تری در تضعیف ثبات زناشویی دارند. در بخش میانجی، استرس ادراک‌شده در هر دو مسیر نقش واسطه‌ای معنادار ایفا کرده، اما با توجه به تداوم اثرات مستقیم، نوع میانجی‌گری «جزئی» است و استرس بیشتر نقش تشدیدکننده دارد تا حذف‌کننده اثرات. همچنین اثرات کل نشان داد خودخاموشی(β =۰/۸۶۷) و تهدیدات پنهان(β = ۰/۸۶۶) تقریباً اثرگذاری نهایی یکسان و بسیار بالایی بر بی‌ثباتی ازدواج دارند. در مجموع، نتایج مدل ساختاری پژوهش نشان داد که خودخاموشی و تهدیدات پنهان هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم از طریق استرس ادراک‌شده بر بی‌ثباتی ازدواج دارند و استرس ادراک‌شده نقش میانجی جزئی ایفا می‌کند. همچنین تهدیدات پنهان قوی‌ترین اثر مستقیم را بر بی‌ثباتی ازدواج نشان دادند که بیانگر نقش محوری خشونت روان‌شناختی در تضعیف احساس امنیت و پایداری رابطه زناشویی است.

از دیگر یافته‌های پژوهش این بود که بی‌ثباتی ازدواج بر اساس خودخاموشی در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر مستقیم دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده [۱، ۸، ۱۵، ۳۷-۳۹] همسو است.

بر اساس نظریه خودخاموشی جک [۴۷]، خودخاموشی به معنای سرکوب هیجان‌ها، نیازها و افکار واقعی برای حفظ رابطه یا جلوگیری از تعارض و طرد شدن است که در بلندمدت موجب کاهش اصالت رابطه، انباشت هیجان‌های سرکوب‌شده و فرسایش صمیمیت می‌شود. این الگو در چارچوب نظریه دلبستگی با کاهش صمیمیت و افزایش تنش و در نظریه خود-رابطه‌ای با نادیده‌گیری نیازهای فردی و فداکاری ناسازگارانه مرتبط است [۳۸، ۳۷]. همچنین بر اساس نظریه تبادل اجتماعی، تداوم خودخاموشی موجب برهم خوردن تعادل رابطه، کاهش تعاملات متقابل و افزایش تعارض‌های حل‌نشده می‌شود [۴۹،۱۵]. در روابط همراه با خشونت خانگی، این الگو تشدید شده و با کاهش صمیمیت، افزایش فاصله عاطفی و افت کیفیت تعاملات، زمینه بی‌ثباتی ازدواج را فراهم می‌کند [۱، ۸، ۱۵]. در مجموع، خودخاموشی با محدود کردن بیان هیجان‌ها و نیازها، به فرسایش رابطه و افزایش بی‌ثباتی ازدواج در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی منجر می‌شود.

یافته دیگر نشان داد تهدیدات پنهان بر بی‌ثباتی ازدواج در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر مستقیم دارد. این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده همسو است [۸، ۱۰، ۲۰، ۳۶، ۴۲، ۴۶-۴۸].

بر اساس نظریه‌های دلبستگی و پویایی روابط صمیمانه، ثبات ازدواج به وجود امنیت عاطفی، اعتماد متقابل و الگوهای ارتباطی شفاف وابسته است. در مقابل، شکل‌گیری تعاملات غیرمستقیم و فرساینده به ایجاد «تهدیدات پنهان» در رابطه منجر می‌شود [۸،۴۶]. این تهدیدات شامل پنهان‌کاری، اجتناب از بیان هیجان‌ها، بی‌توجهی عاطفی و کنترل غیرمستقیم است که به تدریج اعتماد بین‌فردی و احساس امنیت روانی را تضعیف کرده و سرمایه عاطفی رابطه را کاهش می‌دهد و در نهایت زمینه بی‌ثباتی ازدواج را فراهم می‌سازد [۳۶]. در روابط همراه با خشونت خانگی، این الگو شدت

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

بیشتری دارد، زیرا زنان برای جلوگیری از تشدید خشونت به سکوت هیجانی و سرکوب احساسات روی می‌آورند که این امر موجب باقی‌ماندن تعارض‌های حل‌نشده، افزایش بی‌اعتمادی و شکل‌گیری فاصله عاطفی می‌شود. در نتیجه، رابطه زناشویی به جای نقش حمایتی، به منبع تنش تبدیل شده و آسیب‌پذیری آن در برابر بی‌ثباتی افزایش می‌یابد [۴۶].

یافته دیگر این پژوهش نشان داد بی‌ثباتی ازدواج بر اساس استرس ادراک‌شده در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر مستقیم دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده همسو است [۱، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۳-۴۵].

بر اساس مدل‌های روان‌شناختی استرس، استرس ادراک‌شده به ارزیابی شناختی فرد از میزان تهدید موقعیت و ناکافی بودن منابع مقابله‌ای اشاره دارد و طبق مدل لازاروس و فولکمن، حاصل تعامل ارزیابی اولیه (تهدید) و ارزیابی ثانویه (ناکامی منابع مقابله‌ای) است. در روابط زناشویی، به‌ویژه در بستر خشونت خانگی، زمانی که زنان مطالبات زناشویی، نقش‌های خانوادگی و فشارهای ناشی از خشونت را فراتر از توان خود ارزیابی می‌کنند، استرس مزمن افزایش یافته و کارکردهای هیجانی، شناختی و بین‌فردی آنان مختل می‌شود [۱]. از منظر پردازش اطلاعات، ادراک موقعیت‌های رابطه‌ای به‌عنوان غیرقابل پیش‌بینی و تهدیدکننده موجب افزایش حساسیت روان‌شناختی، کاهش انعطاف‌پذیری شناختی و تشدید واکنش‌های هیجانی شده و تعاملات زوجی را به سمت تعارض، اجتناب و فاصله عاطفی سوق می‌دهد [۴۰، ۳۶]. همچنین از دیدگاه روانکاوی، تهدید مداوم به امنیت روانی می‌تواند مکانیسم‌های دفاعی ناسازگار را فعال کرده و به تداوم تنش‌های درون‌فردی و بین‌فردی بینجامد. از منظر زیستی نیز استرس مزمن با برهم‌زدن تعادل سیستم‌های عصبی، کاهش تحمل هیجانی و افزایش واکنش‌پذیری، زمینه ناپایداری رابطه را فراهم می‌کند [۴۱]. در مجموع، استرس ادراک‌شده از طریق تضعیف منابع شناختی، هیجانی و مقابله‌ای و اختلال در تعاملات زناشویی، به‌طور مستقیم موجب افزایش بی‌ثباتی ازدواج در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی می‌شود.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد استرس ادراک‌شده بر اساس خودخاموشی در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر مستقیم دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده همسو است [۱، ۸، ۱۵، ۳۷-۳۹، ۴۳].

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، خودخاموشی با افزایش معنادار استرس ادراک‌شده در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی همراه است. این نتیجه در چارچوب نظریه استرس و مقابله لازاروس و فولکمن قابل تبیین است، زیرا استرس زمانی افزایش می‌یابد که فرد موقعیت را تهدیدکننده ارزیابی کرده و منابع مقابله‌ای خود را ناکافی بداند. در الگوی خودخاموشی جک، سرکوب هیجان‌ها و نیازها برای حفظ رابطه یا اجتناب از تعارض، موجب کاهش احساس کنترل و اختلال در ارزیابی شناختی شده و استرس ادراک‌شده را تشدید می‌کند [۳۷]. این فرآیند با تضعیف خودکارآمدی و افزایش ارزیابی تهدیدمحور همراه است و در روابط خشونت‌آمیز شدت بیشتری دارد [۱۵]. همچنین پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی نشان داده‌اند که خودخاموشی و سرکوب هیجان‌ها با افزایش فشار روانی و حساسیت به تهدید مرتبط بوده و استرس ادراک‌شده را بالا می‌برد [۳۸، ۳۹، ۴۳] در مجموع، خودخاموشی از طریق کاهش کنترل ادراک‌شده، محدودسازی بیان هیجانی و تضعیف منابع مقابله‌ای، موجب افزایش استرس ادراک‌شده در این زنان می‌شود.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد استرس ادراک‌شده بر اساس تهدیدات پنهان در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر مستقیم دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده همسو است [۸، ۲۰، ۴۲، ۴۷].

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، تهدیدات پنهان بر استرس ادراک‌شده در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر مستقیم دارد. تهدیدات پنهان به‌عنوان شکلی از خشونت روان‌شناختی، شامل پیام‌های ضمنی، کنترل‌های غیرمستقیم،

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

القای ترس و محدودسازی انتخاب‌ها هستند که در چارچوب نظریه استرس و ارزیابی شناختی موجب می‌شوند فرد محیط را غیرقابل پیش‌بینی، تهدیدکننده و خارج از کنترل ادراک کند؛ شرایطی که به‌طور مستقیم سطح استرس ادراک‌شده را افزایش می‌دهد [۴۲]. در روابط مبتنی بر خشونت خانگی، این تهدیدات با ایجاد فضای ناامنی روانی و انتظار مداوم پیامدهای منفی، ذهن فرد را در وضعیت آماده‌باش قرار داده و ارزیابی تهدیدمحور را تقویت می‌کنند، در نتیجه استرس مزمن شکل می‌گیرد [۸]. شواهد پژوهشی داخلی نیز نشان داده‌اند که رفتارهای تهدیدآمیز، حتی در اشکال غیرمستقیم، با افزایش فشار روانی و کاهش احساس کنترل همراه است [۴۲]. همچنین یافته‌های بین‌المللی تأیید می‌کنند تهدیدات روان‌شناختی پنهان از طریق کاهش احساس امنیت و ایجاد ترس پایدار، موجب افزایش استرس ادراک‌شده در زنان می‌شوند [۴۷،۸]. در مجموع، تهدیدات پنهان با ایجاد ناامنی، ابهام و کنترل روانی، ارزیابی شناختی فرد را به سمت ادراک تهدید سوق داده و به‌طور مستقیم موجب افزایش استرس ادراک‌شده در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی می‌شود.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، تهدیدات پنهان اثر مستقیم بر استرس ادراک‌شده در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی دارند. این تهدیدات به‌عنوان نوعی خشونت روان‌شناختی شامل کنترل‌های غیرمستقیم، پیام‌های ضمنی و القای ترس هستند که در چارچوب نظریه استرس و ارزیابی شناختی موجب ادراک محیط به‌صورت تهدیدکننده و خارج از کنترل می‌شوند و در نتیجه استرس ادراک‌شده را افزایش می‌دهند [۴۲]. در روابط خشونت‌آمیز، این شرایط با ایجاد ناامنی روانی و تقویت ارزیابی تهدیدمحور، فرد را در وضعیت آماده‌باش دائمی قرار داده و به شکل‌گیری استرس مزمن منجر می‌شود [۸]. همچنین پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی نشان داده‌اند که تهدیدات پنهان با کاهش احساس کنترل و امنیت، فشار روانی و استرس ادراک‌شده را افزایش می‌دهند [۴۷،۸]. در مجموع، تهدیدات پنهان از طریق ایجاد ناامنی، ابهام و کنترل روانی، به‌طور مستقیم موجب افزایش استرس ادراک‌شده در این زنان می‌شوند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد بی‌ثباتی ازدواج بر اساس خودخاموشی با نقش واسطه‌ای استرس ادراک‌شده از خشونت در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر غیرمستقیم دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده همسو است [۸، ۱۰، ۲۰، ۳۶، ۴۲، ۴۶-۴۸].

تهدیدات پنهان به‌عنوان شکلی از خشونت روان‌شناختی شامل پیام‌های ضمنی کنترل‌گر، سکوت‌های تهدیدآمیز و القای پیامدهای منفی نامشخص است که با ایجاد فضای ناایمن و غیرقابل پیش‌بینی، ادراک رابطه را به سمت تهدیدآمیز بودن سوق می‌دهد [۴۸]. بر اساس نظریه ارزیابی شناختی لازاروس و فولکمن، این شرایط با کاهش احساس کنترل و ناکافی بودن منابع مقابله‌ای، استرس ادراک‌شده را افزایش می‌دهد [۲۰]. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که این نوع خشونت با افزایش فشار روانی و کاهش امنیت ادراک‌شده همراه است [۳۶-۴۲]. در ادامه، افزایش استرس ادراک‌شده با تضعیف تنظیم هیجان، کاهش صمیمیت و افزایش تعارض‌های زناشویی، زمینه فرسایش رابطه و بی‌ثباتی ازدواج را فراهم می‌کند [۴۷، ۴۶]. در مجموع، تهدیدات پنهان از طریق افزایش استرس ادراک‌شده، نقش واسطه‌ای مهمی در تبیین اثر غیرمستقیم بر بی‌ثباتی ازدواج در این زنان دارند.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد بی‌ثباتی ازدواج بر اساس تهدیدات پنهان با نقش واسطه‌ای استرس ادراک‌شده از خشونت در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر غیرمستقیم دارد. نتیجه این پژوهش با یافته‌های مطالعات گذشته نامبرده همسو است [۸، ۱۰، ۴۲، ۴۶، ۴۸].

بی‌ثباتی ازدواج بر اساس تهدیدات پنهان با نقش واسطه‌ای استرس ادراک‌شده از خشونت در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی اثر غیرمستقیم دارد. از دیدگاه نظری، تهدیدات پنهان به‌عنوان شکلی از خشونت روان‌شناختی، از طریق پیام‌های

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

ضمنی، کنترل نامحسوس، سکوت‌های تنبیهی و ایجاد ابهام، فرد را در وضعیت پایدار «انتظار خطر» قرار می‌دهند و ادراک محیط، رابطه را به سمت ناایمنی و پیش‌بینی‌ناپذیری سوق می‌دهد [۴۶]. بر اساس نظریه ارزیابی شناختی لازاروس و فولکمن، این وضعیت موجب افزایش استرس ادراک‌شده می‌شود، زیرا فرد رابطه را فراتر از توان مقابله‌ای خود و مملو از تهدیدهای بالقوه ارزیابی می‌کند. در این چارچوب، استرس ادراک‌شده به‌عنوان سازوکار واسطه‌ای عمل کرده و اثر تهدیدات پنهان را به پیامدهای زناشویی منتقل می‌کند، به‌گونه‌ای که استرس مزمن حاصل، با کاهش امنیت عاطفی، تضعیف اعتماد، افت صمیمیت و اختلال در تنظیم هیجان، زمینه فرسایش تدریجی رابطه را فراهم می‌سازد [۴۶، ۴۸]. در نتیجه، تهدیدات پنهان نه‌تنها به‌طور غیرمستقیم از طریق افزایش استرس ادراک‌شده، بلکه از طریق فعال‌سازی یک چرخه روانی–هیجانی فرساینده، به کاهش پایداری و افزایش بی‌ثباتی ازدواج در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی منجر می‌شوند.

نتیجه‌گیری

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بی‌ثباتی ازدواج در زنان آسیب‌دیده از خشونت خانگی حاصل یک الگوی پیچیده و چندلایه از تعامل متغیرهای شناختی، هیجانی و بین‌فردی است. در این چارچوب، دشواری در تنظیم شناختی هیجان، خودخاموشی و تهدیدات پنهان به‌عنوان عوامل پیش‌بین و استرس ادراک‌شده از خشونت به‌عنوان سازوکار واسطه‌ای، نقش کلیدی در تبیین این فرآیند دارند. نتایج نشان داد دشواری تنظیم‌شناختی هیجان و خودخاموشی از یک‌سو و تهدیدات پنهان از سوی دیگر، هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق افزایش استرس ادراک‌شده، به تضعیف پایداری رابطه زناشویی منجر می‌شوند. در این میان، استرس ادراک‌شده نقش محوری در انتقال اثر عوامل زمینه‌ای به پیامد نهایی یعنی بی‌ثباتی ازدواج ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که ادراک مداوم موقعیت‌های تهدیدآمیز، کنترل‌ناپذیر و فرساینده، ظرفیت تنظیم هیجان، ارتباط مؤثر و صمیمیت زوجین را کاهش می‌دهد. به‌طور کلی، این الگو نشان می‌دهد که بی‌ثباتی ازدواج صرفاً پیامد عوامل بیرونی نیست، بلکه نتیجه برهم‌کنش چرخه‌ای از فرآیندهای شناختی-هیجانی در بستر خشونت خانگی است؛ چرخه‌ای که در آن ناتوانی در تنظیم هیجان، خاموش‌سازی خود و تجربه تهدیدات پنهان، از طریق افزایش استرس ادراک‌شده، به فرسایش تدریجی پیوند زناشویی و کاهش پایداری آن منجر می‌شود.

تشکر و قدردانی: نویسندگان این پژوهش از تمامی مسئولان محترم مراکز مشاوره استان فارس بابت همکاری‌های ارزشمندشان صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنند.
تأییدیه اخلاقی: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت با کد اخلاق IR.IAU.M.REC.1404.616 است. ضمناً پژوهشگر دارای پروانه صلاحیت حرفه‌ای از سازمان نظام روانشناسی و مشاوره کشور با شناسه ۲۳۳۱۶ است.
تعارض منافع: نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافعی در رابطه با انجام و انتشار این پژوهش ندارند.
سهم نویسندگان: همه نویسندگان این مقاله سهم یکسانی در تهیه این مقاله داشتند.
منابع مالی: این پژوهش به‌صورت مستقل انجام شده و هیچ‌گونه حمایت یا تأمین مالی از سوی سازمان، نهاد یا مؤسسه‌ای دریافت نکرده است.

References

1. Rokach A, Chan SH. Love and infidelity: Causes and consequences. Int J Environ Res Public Health. 2023;20(5):3904. doi: 10.3390/ijerph20053904
2. Hedayati Moghadam S, Akbari H, Jajarmi M. Designing a model of tendency to domestic violence based on emotional deprivation with the mediation of alexithymia in women affected by marital infidelity. Journal of Psychological Science. 2025;24(145):139-55. [Persian] doi: 10.52547/JPS.24.145.139
3. Dehkordi AH, Heydari H. The prevalence of domestic violence in Iran: a systematic review and meta-analysis. Jundishapur J Chronic Dis Care. 2024;14(1):e138870. doi: 10.5812/jjcdc-138870
4. Liberman B. The Influence of Mentalization and Adult Attachment Style on Relationship Satisfaction and Interpersonal Violence in Intimate Partnerships. [Doctoral dissertation]. Alliant International University, 2024.
5. Jafari Z, Parvin F. An overview of types of violence

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

against women in Iran between 2010 and 2021. Nursing and Midwifery Journal. 2022;20(4):269-79. [Persian]
6. Hasanpour, D.A. and Heydari, H., 2025. The prevalence of domestic violence in Iran: a systematic review and meta-analysis. https://doi.org/10.5812/jjcdc-138870
7. Trombetta T, Rizzo M, Gattino S, Rollè L. Violence in the family of origin, mentalization, and intimate partner violence perpetration. Partner Abuse. 2024;3:315-36. doi: 10.1891/PA-2023-0039
8. Wang K, Fu Z, Xin W, Zhou L, Chandrappa SK. Digital voices of survival: From social media disclosures to support provisions for domestic violence victims. Proceedings of the 59th Hawaii International Conference on System Sciences; 2026. pp. 3649-58.
9. Yavari Zadeh P, Rasouli R, Abdollahi A. Relationship between romantic perfectionism and marital instability: The moderating role of communication patterns. Social Psychology Research. 2025;15(57):153 67. [Persian]
10. Ani JI, Katende-Kyenda LN. Predictors of intimate partner violence and associated marital disruption among ever-married women in sub-Saharan Africa: a multi-country analysis for policy and intervention priorities. Front Sociol. 2025;10:1658603. doi: 10.3389/fsoc.2025.1658603
11. Grigoropoulos I. Self-silencing through the lens of system legitimizing ideologies: Gender discriminatory attitudes mediate the link between conservatism and women's self-silencing to sexism. Trends Psychol. 2025;33(3):1043-61. doi: 10.1007/s43076-023-00356-x
12. Emran A, Iqbal N, Dar IA. 'Silencing the self'and women's mental health problems: A narrative review. Asian J Psychiatry. 2020;53:102197. doi: 10.1016/j.ajp.2020.102197
13. Bowker JC, Richard CL, Stotsky MV, Weingarten JP, Shafik MI. Understanding shyness and psychosocial difficulties during early adolescence: The role of friend shyness and self-silencing. Pers Individ Dif. 2023;209:112209. doi: 10.1016/j.paid.2023.112209
14. Kaya MD, Kaya F. Irrational romantic relationship beliefs and self-silencing: Mediating role of emotion regulation. Ration. J Emot Cogn Behav Ther. 2024;42(3):610-23. doi: 10.1007/s10942-023-00535-w
15. Baeza MJ, De Santis JP, Munro-Kramer M, Iriarte E, Cianelli R. Latinas regaining their voice after intimate partner violence: A grounded theory study. J Adv Nurs. 2024;80:14. doi: 10.1007/s10896-025-00865-6
16. White SJ, Sin J, Sweeney A, Salisbury T, Wahlich C, Montesinos Guevara CM, et al. Global prevalence and mental health outcomes of intimate partner violence among women: a systematic review and meta-analysis. Trauma Violence Abuse. 2024;25(1):494-511. doi: 10.1177/15248380231155529
17. Cullen C. Method matters: The underreporting of intimate partner violence. World Bank Econ Rev. 2023;37(1):49-73. doi: 10.1093/wber/lhac022
18. Hamidi Kian P, Niknam M, Jahangir P. Predicting covert marital aggression and fear of intimacy based on self-compassion with the mediating role of guilt in married individuals. Appl Fam Ther J. 2021;2(1):65-90. [Persian]
19. Mikaeili N, Eyni S, Mousavi SE, Ebadi M. Mediating role of relational aggression in the association between infertility stigma and marital relationship distress in infertile women. Women Health. 2023;63(9):756-765. [Persian]
20. Pisanelli E. Measuring Domestic Violence. Individual Attitudes and Time Use Within the Household. 2025.
21. Jafari M, Alipour F, Raheb G, Mardani M. Perceived stress and caregiver burden in elderly caregivers: The moderating role of resilience. Salmand. 2022;17(1):62-75. [Persian]
22. Méndez-Chacón E. Construct validity of the self-report instrument of perceived stress in the general Costa Rican population of retirement age: CRELES study. Front Public Health. 2025;13:1568416. doi: 10.3389/fpubh.2025.1568416
23. da Costa Siqueira LL, de Melo Batista K, Marabotti Costa Leite F. Association between perceived stress and history of intimate partner violence throughout life and during the COVID-19 pandemic. Front Public Health. 2023;11:1330451. doi: 10.3389/fpubh.2023.1330451
24. La Fauci V, Venuto R, Genovese C, Squeri R, La Spada G, Pappalardo R, et al. Study-related stress, perceived stress and quality of life among healthcare university students. Clin Ter. 2023;174(5):412-9. doi: 10.7417/CT.2023.2458.
25. Chu TH, Jiang LC. Examining the link between distressing life events, social media distress disclosure, and perceived stress: A moderated mediation model. Comput Human Behav. 2024;151:108018. doi: h10.1016/j.chb.2023.108018
26. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. Guilford Publications; 2023 May 24.
27. Mohseni Tabrizi A, Kaldi A, Javadianzadeh M. Investigation of domestic violence status in married women visiting forensic medicine and welfare centers in Yazd city in 2010. Tolooe Behdasht. 2012;11(3):11-24. [Persian]
28. Edwards RL, Chen JH, Wasserburg GJ. 238U- 234U_ 230Th- 232Th systematics and the precise measurement

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]

of time over the past 500,000 years. Earth Planet Sci Lett. 1987;81(2-3):175-92. doi: 10.1016/0012-821X(87)90154-3
29. Jack DC, Dill D. The Silencing the Self Scale: Schemas of intimacy associated with depression in women. Psychol Women Q. 1992;16(1):97-106.
30. Abtahi S, Abedian N. Predicting self-silencing in women based on mentalization capacity and rejection sensitivity. Royesh-e-Ravanshenasi Quarterly. 2026;15(1):281-90. [Persian]
31. Carroll JS, Nelson DA, Yorgason JB, Harper JM, Ashton RH, Jensen AC. Relational aggression in marriage. Aggress Behav. 2010;36(5):315-29. doi: 10.1002/ab.20349
32. Khazaei S, Navabinejad S, Farzad V, Zahrakar K. Investigating the psychometric properties of the Covert Relational Aggression Scale. Res Psychol Health. 2016;10(2):75-88. [Persian]
33. Cohen S, Kamarck T, Mermelstein R. A global measure of perceived stress. J Health Soc Behav. 1983;24(4):385-96. doi: 10.2307/2136404
34. Bayat H, Rezaei Jamalouei H, Abbasi M, Taheri M. The effectiveness of stress management training on perceived stress and self-control of students with asthma. J Psychol Sci. 2024;23(138):243-60. [Persian] doi: 10.52547/JPS.23.138.1527.
35. Akbari Moghaddam H, Akbari Moghaddam H. A systematic review of global experiences in preventing domestic violence. Woman Interdisciplinary Researches Journal. 2025;7(3):49-62. [Persian] doi: 10.22034/jwir.2025.727995
36. Amiri Fard Z, Ebrahim Pour M, Pordelan N. Modeling domestic violence based on stressors and coping strategies with the mediating role of emotion regulation difficulty in women victims of spousal abuse from a cultural perspective. J Cult Psychol Women. 2024;15(60). [Persian]
37. Moghaddas Sharif P, Abdkhodaie Z, Panaghi L. The moderating role of self-silencing in the relationship between attachment and marital satisfaction in married individuals. Clinical Psychology and Personality. 2024;22(2):279-294. [Persian] doi: 10.22070/cpap.2024.18649.1476
38. Tajik F, Sajjad B. Structural model of self-silencing in women based on psychological distress and marital conflict with the mediating role of emotion regulation difficulties. Rooyesh Psychol. 2024;13(11):41-50. [Persian]
39. Mam Sharifi P, Asadi M, Dadvor Mamaghani E. Self-silencing and depression model in married women with the mediating role of emotion regulation. Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal. 2024;13(6):211-20. [Persian]
40. Samin B, Taghinezhad N, Asadpour E. Model Evaluation of Modeling Marital Covert Aggression Based on Differentiation with the Mediating Role of Perceived Stress in Married Women. J Appl Psychol Res. 2025. [Persian] doi: 10.22059/japr.2025.393581.645222
41. Fathi F, Ayatollah A, Karimi Baghmalek F, Mahigir F. Effectiveness of emotion-focused couples therapy training on alexithymia and perceived stress in women affected by infidelity. Psychology of Motivation, Behavior and Health. 2025. [Persian]
42. Shamsaie Z, Karimi Q, Akbari M. The effectiveness of an educational package based on domestic violence on reducing frustration and marital instability: a quasi-experimental study. J Res Univ Med Sci. 2023;22(9):963-978. [Persian] doi: 10.61186/jrums.22.9.963
43. Dashti A, Zargar Y, Davoudi I, Arshadi N. Relationship between mindfulness, emotion regulation difficulty, self-suppression, and perceived stress with premenstrual syndrome: A structural equation modeling approach. Clin Psychol Innov Res Pract. 2023;15(1):27-37. [Persian]
44. Heydarpour Eskandari M, Amini N, Jafari G. Comparison of the effectiveness of emotionally focused couple therapy and mindfulness-based stress reduction on emotional divorce in couples. Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal. 2021;10(12):203-214. [Persian]
45. Razavi MS, Salehiyan R. The relationship between perceived stress and sexual satisfaction and marital adjustment in couples undergoing infertility treatment in Tehran in 2021. J Neuropsychol. 2022;11(15):1-11. [Persian]
46. Zhao S, Liu S, Gao J, Ma N, Chen S, Chandan JS, et al. Prevalence of co-occurring forms of intimate partner violence against women aged 15–49 and the role of education-related inequalities: analysis of Demographic and Health Surveys across 49 low-income and middle-income countries. EClinicalMedicine. 2025;82. doi: 10.1016/j.eclinm.2025.103150
47. He X. Threat to family stability or social stability? Domestic violence protection orders in two Chinese courts. Law Soc Inq. 2025;50(2):378-405.
48. Díaz-Ogallar MA, Martínez-Vázquez S, Peinado-Molina RA, Hernández-Martínez A, Martínez-Galiano JM. Intimate partner violence during the perinatal period and women's risk of anxiety, depression, and suicidal ideation. Public Health. 2025;248:105930. doi: 10.1016/j.puhe.2025.105930
49. Jack DC. Reflections on the silencing the self-scale and its origins. Psychol Women Q. 2011;35(3):523-9. doi: 10.1177/0361684311414824

[Downloaded from sjfm.ir on 2026-11-10]